

مبانی اخلاقی جبران خسارت ناشی از اشتباه و جعل در تنظیم اسناد رسمی

اسدالله قصری^۱، دکتر علیرضا رجب زاده اصطهباناتی*^۲، دکتر علیرضا مظلوم رهنی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

۲. گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

۳. گروه حقوق، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر قدس، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸)

چکیده

زمینه: تنظیم سند رسمی معاملات یکی از وظایف اختصاصی سردفتران اسناد رسمی است که مستلزم بکارگیری و رعایت شرایط ماهوی و شکلی متعددی است. عدم رعایت هر یک از این شرایط می تواند موجب ابطال سند از سوی دادگاه شده و مسئولیت به جبران خسارت سردفتران را در پی دارد. جبران خسارت از سوی سردفتران در مواد مختلفی هم چون ماده ۶۸ قانون ثبت (۱۳۱۰)، ماده ۲۲ قانون دفاتر اسناد رسمی به صورت خاص و مواد ۳۲۸ تا ۳۳۵ قانون مدنی به صورت عام آمده است. در این بین، جبران خسارت ناشی از اشتباه و جعل در تنظیم اسناد رسمی علاوه بر مبانی حقوقی دارای مبانی اخلاقی نیز است. به عبارت دیگر، حتی پیش از تشکیل دولت ها نیز زمینه های جبران خسارت در رفتار انسانی دیده می شود و این موضوع اثبات می نماید که جبران خسارت فراتر از زمینه های حقوقی، از زمینه های اخلاقی برخوردار است. در این مقاله با توجه به روش توصیفی-تحلیلی به این موضوع پرداخته ایم که مبانی اخلاقی جبران خسارت ناشی از اشتباه و جعل در تنظیم اسناد رسمی چیست؟

نتیجه گیری: نتیجه تحقیق حاضر آن است که مبانی هم چون حسن نیت، وفای به عهد، منع تقلب و ... به عنوان مبانی اخلاقی جبران خسارت از اشتباه و جعل در تنظیم اسناد رسمی مورد نظر است. راهکاری که در این جا نیز ارائه شد عبارت است از اینکه اگر در اثر اشتباه در این موارد، خسارتی به فرد زیان دیده وارد شده باشد، راهکار جبران خسارت را می توان از محل حق الثبت وصولی یا به طور عام حقوق دولتی وصولی در نظر گرفت.

کلیدواژه‌گان: سردفتر، اخلاق، جبران خسارت، اشتباه، جعل، سند رسمی، بیمه جبران خسارت.

سر آغاز

الف (خطای شخصی^۴؛ ب) خطای دفترخانه. خطایی که به مسئولیت مرجع ذیربط کارمند منتهی می شود بر همین اساس لازم است که برای تبیین مبنای مسئولیت میان تقصیر یا خطای کارمندان و خطای مراجع عمومی قائل به تفکیک شویم. لذا در سطرهای پیش رو به بررسی اینکه چه تقصیری تقصیر شخصی و چه خطایی خطای دولت است می پردازیم: مطابق ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی^۵ کارمندان دولت و شهرداری ها و موسسات وابسته به آنها اگر در حین انجام وظیفه و پایه مناسبت آن به عمد یا در نتیجه بی احتیاطی خسارتی به اشخاص وارد کنند شخصا مسئول جبران خسارت هستند بر اساس این ماده کارمند هنگامی مسئولیت دارد که خسارت وارده در نتیجه عمد یا بی احتیاطی او باشد یعنی حتما باید کارمند تقصیری مرتکب شده باشد در انجام وظیفه اش تا بشود او را مسئول دانست تقصیر اعم است از عمد و بی احتیاطی عمد در صورتی است که شخص با قصد و اراده ضرری به

اسناد رسمی^۱ نظر به امتیازات متعددی که نسبت به اسناد عادی دارند از جمله صدور قرار تامین خواسته با معافیت از تودیع خسارت احتمالی و دیگری عدم امکان تردید و انکار از سوی متعهد در مواد مختلف قانونی به مسئولیت مدنی سردفتران ناشی از جعل و اشتباه در تنظیم اسناد رسمی و لزوم جبران خسارت^۲ تصریح شده است برای نمونه در ماده ۶۸ قانون ثبت ۱۳۱۰ و همچنین در ماده ۲۲ قانون دفاتر اسناد رسمی این امر تصریح شده است.

در این مواد به صورت خاص و در مواد قانون مسئولیت مدنی به صورت عام به لزوم جبران خسارت از سوی سردفتر در صورت خطا در تنظیم اسناد رسمی اشاره شده است (۱). به طور کلی، جبران خسارت با الزامات اخلاقی^۳ ارتباط زیادی دارد و از آن جا که مبنای اصلی جبران خسارت از جمله در زمینه اشتباه و جعل در تنظیم سند رسمی، وجود خطا است؛ بایستی گفت که این خطا به دو صورت انجام می پذیرد:

نویسنده مسئول: نشانی الکترونیکی: rajabzadeha732@gmail.com

مبانی تاثیرگذاری الزامات اخلاقی در زمینه جبران خسارت ناشی از جعل و اشتباه در تنظیم اسناد

اگرچه مسئولیت ناشی از اشتباه و جعل در تنظیم اسناد رسمی یک مسئولیت مدنی در وهله اول و مسئولیت کیفری در وهله دوم است اما دامنه تاثیرگذاری مبانی اخلاقی در زمینه جبران خسارت مزبور نیز بسیار مشهود است. در این راستا، با توجه به تاثیرگذاری منابع فقهی بر منابع قانون گذاری، در این بخش به مبانی تاثیرگذاری الزامات اخلاقی در زمینه جبران خسارت ناشی از جعل و اشتباه در تنظیم اسناد پرداخته می شود.

اجتماع^۹: برخی از جامعه شناسان، مانند دورکیم احکام اخلاقی را صرفاً مبتنی بر آداب و رسوم می دانند اما برخی دیگر از ایشان علاوه بر مؤثر دانستن عامل اجتماع منشأ دیگری نیز برای الزام در نظر گرفته اند؛ نظیر برگسن که دو نیروی فشار اجتماعی و گرایش پرجاذبه درونی انسان های ممتازی، که از خداوند مدد می گیرند را اساس الزام های اخلاقی دانسته است. وی نیروی فشار جامعه را سرچشمه اخلاق دانسته و در عین حال بر این باور است که الگوی اخلاقی جامعه باید قواعد برتری باشد که از منبع بالاتری نسبت به رسوم توده مردم تراوش کرده باشد و در هر زمان با عادات اجتماعی ترکیب شود. در نقد این دو دیدگاه باید گفت که نمی توان تنها معیار اخلاق را آداب و رسوم یا فشار جامعه دانست؛ زیرا اولاً آداب و رسوم براساس عادات های اجتماعی^{۱۰} تغییر می کنند و در صورت مقاومت در برابر حرکت اجتماع یا عدول از خط سیر آن، انسان ها با فشار و بی درنگ به سوی همان حرکت و مسیر اجتماع باز خواهند گشت. پس تکیه بر آنها موجب عدم ثبات اخلاق می شود، و طبق نظر دکتر کاتوزیان نباید صرفاً به عادات اجتماعی تکیه نمود ثانیاً برخلاف واقعیتی است که کتب آسمانی از آن یاد کرده اند

وجدان^{۱۱}: روسو معیار و منشأ همه ارزش های اخلاقی^{۱۲} را مطابقت یا مخالفت آنها با وجدان اخلاقی انسان می داند. از نظر وی هر چیزی که مورد پذیرش وجدان اخلاقی باشد خوب و هر چیزی که با وجدان اخلاقی انسان ها ناسازگار باشد و موجب آزردهی و رنجش وجدان آنان شود، بد تلقی می شود. وی بر این باور است که ما دستورات اخلاقی را که به دست طبیعت با خطوط محو نشدنی نوشته شده است، در قلب خود می یابیم. وی میان عقل و وجدان تفاوت قائل است و معتقد است که عقل گاهی انسان را می فریبد و لذا نباید دلایل آن را پذیرفت. اما آیا به واقع امکان دارد که تمام تکالیف اخلاقی را از طریق مراجعه به وجدان به دست آورد؟

عقل: بعضی دیگر از علما، عقل را به تنهایی ستون و نخستین راه الزام معرفی نموده اند، تا حدی که معتقدند بدیهی است که عقل^{۱۳} الزام را در محیط اخلاق وارد می کند. عقلی که به هیچ فرد و جماعتی وابسته نیست و از محیط، اثر و رنگ نمی پذیرد. یعنی آنچه که خدا آفریده و خطاب به آن فرموده است: «به عزت و جلالم قسم، هیچ چیزی را نیکوتر، مطیع تر نسبت به من، رفیع تر، با شرافت تر و عزیزتر از تو (عقل) نیافریدم.» عقل آزاد از هر فشار و قید، خیر و شر را از هم تمیز

دیگری وارد کند بی احتیاطی وقتی است که شخص بدون قصد و از روی عدم احتیاط به دیگری خسارت وارد کند در حقوق ایران ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و مسئولیت مدنی قضات طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مبانی مسئولیت مدنی کارمندان را تقصیر قرار داده اند. زمانی کارمند مسئولیت زیان های به بار آمده ناشی از اعمال را بر عهده دارد که در ایراد خسارت وارده به دیگری مقصر باشد ولی اگر خطای کارمند نتیجه ی عمد و بی احتیاطی او نباشد و زبانی از عمل او به بار آید در اینجا مسئولیت دولت موضوعیت پیدا می کند بنابراین اگر زیان وارده ناشی از عمل عمومی به لحاظ تقصیر کارمند نباشد در اینجا خطا یا قصور اداره مطرح می شود که ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی تحت عنوان نقض تشکیلات اداری بیان کرده است.

شرایط تحقق الزام به جبران خسارت در تنظیم اسناد رسمی

نقض تعهدات^۶: در قوانین ایران نیز بر حق مطالبه خسارت ناشی از نقض تعهدات قراردادی، تاکید شده است، از جمله در ماده ۲۲۱ قانون مدنی تصریح شده است: «اگر کسی تعهد اقدام به امری را بکند یا تعهد نماید که از انجام امری خودداری کند در صورت تخلف، مسئول خسارت طرف مقابل است...». همچنین در مواد ۲۲۷ و ۲۲۸ این قانون و نیز ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی^۷ این حق مورد تصریح قرار گرفته است. در زمینه سردفتری و تنظیم اسناد می توان به نقض تعهداتی هم چون تعهدات مندرج در ماده ۳۴ آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی اشاره داشت که تفهیم مفاد اسناد و قوانین و مقررات را از زمره تعهدات سردفتر می داند که بر طبق تبصره این ماده نقض آن موجب مسئولیت مدنی سردفتر خواهد شد.

رابطه سببیت^۸: برای جبران خسارت وجود رابطه سببیت کامل میان نقض تعهد و ایجاد ضرر ضروری است. لزوم وجود این شرط از ماده ۵۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی که تصریح نموده «خواهان باید این جهت را ثابت نماید که زیان وارده بلاواسطه ناشی از عدم انجام تعهد یا تاخیر آن و یا عدم تسلیم خواسته بوده است در غیر این صورت دادگاه دعوی مطالبه خسارت را رد خواهد نمود.» بر می آید. نکته ای که در این خصوص شایان ذکر است آن می باشد که سردفتر در قبال تمامی افرادی که تحت نظارت وی به فعالیت می پردازد، از بعد نظارت و کنترل دارای مسئولیت مدنی است و بنابراین در بحث رابطه سببیت در جعل و اشتباه در تنظیم اسناد رسمی بایستی به این امر توجه نمود.

ورود ضرر: اگر نقض تعهد منجر به ایراد هیچ ضرری نشده باشد، جبران خسارت موضوعاً منتفی بوده و وظیفه ای برای جبران ضرر وجود نخواهد داشت. البته در تمامی موارد تخلف آمیز مربوط به سردفتر نیازی به ورود ضرر نیست بلکه در برخی موارد، بدون این که ضرری متوجه غیر شود، مسئولیت مدنی متوجه سردفتر خواهد شد برای نمونه ماده ۳۴ آیین نامه قانون دفاتر اسناد رسمی.

نظری به حسن فعلی این فعل، از نظر عقل عملی این عمل همواره محکوم به حسن است و ممدوح می‌باشد. هرچند ممکن است از نظر فاعلی مورد تحسین واقع نشود. به عنوان مثال، هیچ کس نمی‌تواند قائل به حسن صدق نباشد، ولی در مورد صدق ضار وقتی که موجب قتل انسانی بی‌گناه باشد، فاعل آن را تقبیح می‌کنند نه اینکه صدق را قبیح بدانند.

در این میان، قائلان به حسن و قبح عقلی، بر این عقیده اند که عقل نظری در فعل چیزی را درک می‌کند که عقل عملی بر اساس آن حکم به حسن یا قبح آن کند. در باب چیستی این ملاک، دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد؛ لکن به نظر می‌رسد بهترین آنها دیدگاهی است که می‌توان از لابلای اظهارات حکیمان مسلمان استخراج نمود. ایشان معتقدند که ملاک حکم عقل درباره حسن یا قبح یک فعل، کمال آوری و هستی زایی فعل برای نفس یا نقص آوری و هستی زدایی از نفس است. در این مورد می‌توان گفت از آنجا که نفس انسان ذاتاً کمال خواه و در جستجوی کمال مطلق است و فطرتاً بقاء را دوست دارد و هر آنچه سبب افزایش بقای او شود به دلیل عقل محبوب اوست، پس انسان باید به دنبال تحصیل کمال باشد و این تحصیل کمال نیز ضرورتی عقلی است؛ لذا مقدمات آن و هر آنچه که ما را به کمال نزدیکتر کند، نیز ضروری می‌باشد. بعضی از افعال ذاتاً برای نفس انسانی کمال آور و هستی زاست، لذا پس از احراز هستی زایی توسط عقل نظری، عقل عملی حکم به حسن آن می‌کند. بنابراین ملاک احکام الزامی عقل عملی، کمال آوری و هستی زایی یک فعل برای نفس یا نقص آوری و هستی زدایی از نفس می‌باشد. همانطور که خود اعمال از امور واقعی و خارجی هستند، اثر آنان نیز امری واقعی است، پس کمال آوری فعلی یا نقص آوری عملی اثر واقعی و تکوینی اعمال می‌باشد. به عنوان مثال عقل نظری کشف می‌کند که صدق موجب کمال نفس است و عقل عملی حکم می‌کند که هرچه موجب کمال نفس است، باید انجام شود، پس باید صادق بود. به این ترتیب می‌توان گفت قائلان به حسن و قبح عقلی، عقل را منشأ الزام می‌دانند. با توجه به آنچه گفته شده جای این پرسش وجود دارد که آیا ما بدون حکم شارع ملزم به اجرای احکام عقل عملی هستیم؟ در پاسخ باید گفت هنگامی که عقل نظری کشف کرد که عملی برای نفس همواره کمال آور است و عقل عملی با توجه به اینکه چنین گزاره ای عقلانی است، حکم به لازم الاجرا بودن آن کرد، هر عاقلی آن عمل را لازم الاجرا خواهد دانست. و بدین ترتیب موافقت شارع که رئیس عقلا است به نحو قطعی به دست خواهد آمد، پس شارع لازم است که بر طبق حکم عقلاء از آن جهت که عاقلند حکم نماید.

اقسام مسئولیت در قبال جعل و اشتباه در تنظیم اسناد با تاکید بر جبران خسارت مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی^{۱۵} عبارت است از مسئولیتی که قانونگذار متعرض آن نشده باشد (۲). همانند مسئولیت انسان نسبت به خود یا خداوند یا

می‌دهد و دستوراتش را در مورد انجام یا ترک کارها به انسان گوشزد می‌نماید. قوه عاقله، وجه ممیز انسان از حیوان و نباتات است که گاه تماشاگر است و گاه خود را در نقش بازیگر، نمایان می‌سازد. به تعبیر دقیق تر، عقل نظری نقش کاشفیت داشته، قضایای خبری را تعقل می‌کند و به احراز ملاک می‌پردازد و عقل عملی، در قضایای انشائی حکمی مناسب با آن ملاک و بر اساس مصالح و مفاصد موجود در افعال، وضع و اعتبار می‌کند. از دیدگاه برخی از اندیشمندان، عقل به عنوان جوهر انسان دو جنبه دارد. یک جنبه نظری و رو به بالاست که حقایق را کشف می‌کند و یک جنبه رو به پایین، یعنی رو به بدن است که به وسیله این جنبه بدن را تدبیر می‌کنند این گوهر وجودی به دو صورت، حقیقت افعال را درک می‌کند؛ در بعضی امور مستقلاً به چیزی حکم نمی‌کند بلکه بواسطه حکم و اعتبار دیگری، موفق به کشف مصلحت و مفسده در فعلی می‌شود مانند بسیاری از احکام عبادی. ولی در بعض امور ملاک حکم، ذاتی فعل است و عقل عملی مستقلاً بدون کمک غیر، حکمی را در رابطه با این فعل صادر و حسن و قبح آن را اعتبار می‌کند.

قائلان به این دیدگاه برای توجیه نظریه خود مبنی بر منشأ بودن عقل برای الزام، باید به سؤالاتی از این دست پاسخ دهند که آیا ارزش‌ها فی حد ذاته دارای حسن و قبح هستند؟ و در صورت پذیرفتن ذاتی بودن ارزش‌ها، آیا عقل می‌تواند حسن و قبح افعال را مستقلاً و بدون تعلیم و بیان شارع ادراک نماید؟ و پس از چنین ادراکی بدون حکم و ارشاد شارع، انسان حق دارد طبق مدرکات عقلی خویش عمل نماید؟

در پاسخ به این سؤالات گفته می‌شود که برخی از افعال اختیاری، دارای حسن و قبح ذاتی و ارزش عقلی^{۱۴} هستند و فی نفسه متصف به خوبی یا بدی می‌باشند مانند ظلم و عدل، علم و جهل. زیرا عدل از آن جهت که عدل است همیشه خوب و حسن است و ظلم از آن جهت که ظلم است همواره عملی بد و قبیح است، اما برخی دیگر از افعال ذاتاً به هیچ یک از دو صفت متصف نمی‌شوند؛ بلکه تابع انطباق یکی از افعالی هستند که فی ذاته خوب یا بدند مثلاً احترام به دوست تا زمانی که عنوان عدل بر آن صدق کند، حسن و پسندیده است و در صورت عارض شدن عنوانی دیگر، داخل در عنوان قبیح می‌شود.

همان گونه که روشن است، در این رابطه بین اشاعره و عدلیه اختلاف است و محل نزاع آنان در مسأله حسن و قبح به معنای استحقات مدح و ذم می‌باشد. اشاعره از آنجا که قائل به حسن و قبح ذاتی افعال نیستند، معتقدند که عقل مستقلاً و بدون بیان شارع نمی‌تواند حسن و قبح آن را درک کند، و آن را مستحق مدح یا ذم بداند. اما بسیاری از علمای امامیه قائل به عقلی بودن حکم به حسن و قبح این افعال می‌باشند و معتقدند که عقلاء از آن جهت که عاقل هستند، می‌توانند درباره بسیاری از اعمال اختیاری، بدون الهام شارع قضاوت کرده، آنها را تقبیح و تحسین نمایند یعنی عقلی که به وجود مبدأ و شارع حکیم حکم کند، این را نیز درمی‌یابد که او، مثلاً بنده توانای خود را به جهت ظلم بر بنده ناتوان دیگر یا خودداری از رد امانت عقاب می‌کند و به بنده توانایی که با ناتوانان مهربانی کند، پاداش می‌دهد. در حقیقت پس از حکم عقل

دیگری، ضمانت اجرای چنین مسئولیتی تنها تاثیر وجدان و درونی است ولی ضمانت اجرای حقوقی ندارد به عبارت دیگر مسئولیت اخلاقی مواخذه وجدان از خطاست، نیتی پدید در درون انسان می‌تواند از نظر اخلاقی شخص را مسئول قرار دهد، ارتباط مسئولیت اخلاقی با درون آدمی است (۳). همانطور که پیش تر ذکر آن رفت مسئولیت مدنی یکی از شعب مسئولیت حقوقی می‌باشد از آنجایی که هرگاه کلمه مسئولیت به کار می‌رود رنگ و بوی اخلاقی نیز به ذهن متبادر می‌سازد شایسته است که تفاوت‌های این دو نوع مسئولیت بیان گردد، مسئولیت اخلاقی به معنی شرمساری وجدان و احساس گناه است و بیشتر جنبه شخصی دارد (۴). می‌بینیم که حیطه عمل مسئولیت اخلاقی در درون انسان است و با عالم درون انسان پیوند می‌خورد، تفکری ناشایست و خطا آمیز می‌تواند مسئولیت اخلاقی را به همراه داشته باشد حال آنکه حیطه عمل و اقتدار مسئولیت مدنی جهان بیرون است و تجلی گاه آن دنیای خارجی است، بنابراین بنیادین‌ترین تفاوت را می‌توان معیار شخصی بودن مسئولیت اخلاقی و نوعی، اجتماعی بودن مسئولیت مدنی دید، دنیای حقوق میدان مسئولیت مدنی می‌باشد و در این جاست که مسئولیت مدنی به منصفه ظهور می‌رسد، مسئولیت اخلاقی را با دنیای حقوق رابطه چندانی نیست، اگرچه عده‌ای را عقیده بر این است که می‌توان مبانی تمام مسئولیتها را قواعد اخلاقی و مذهبی قرار داد. رهبر استاد فرانسوی سرآمد این گروه است به نظر وی حقوق در فنی‌ترین بخش‌های خود یعنی تعهدات نیز مرهون قواعد اخلاقی است، آنچه را حقوق می‌نامیم در واقع قواعد اخلاقی است که ضمانت اجرای مادی و دولتی یافته است (۵). حق آن است که مفهوم اخلاقی را در مسئولیت مدنی تماماً به دور نیندازیم زیرا که هنوز هم در بیشتر موارد مبانی مسئولیت مدنی طنین اخلاقی را با خود به همراه دارد، بنابراین سنجیدن مسئولیت مدنی تنها براساس ملاکهای خارجی می‌تواند راه عدالت را مسدود نماید (۶) توجه به عناصر اخلاقی در ارزیابیها جایگاه ویژه‌ای دارد.

مسئولیت مدنی

آنچه که در تعرف مسئولیت مدنی گفته اند این است که در هر مورد شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد (۷). به عبارت دیگر انسان وقتی از نظر مدنی مسئول تلقی می‌شود که ملزم باشد آثار و نتایج ضرر وارد به دیگری را جبران نماید (۸). در تعریف کاملتر می‌توان بیان داشت که «مسئولیت مدنی عبارت است از تعهد و الزامی که شخص نسبت به جبران زیان وارده به دیگری دارد، اعم از آنکه زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول یا عمل اشخاص وابسته به او یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد» (۹). مسئولیت مدنی به ۲ شعبه عمده تقسیم شده است: مسئولیت قراردادی که به آن مسئولیت عهدی یا ضمانت ناشی از عقد نیز گفته می‌شود که عبارت است از مسئولیتی که در نتیجه اجرا نکردن تعهدیکه از عقد ناشی شده است بوجود می‌آید، مسئولیت قراردادی، ریشه قراردادی دارد و متخلف از قرار داد مکلف است خسارت وارده به متعهد را جبران کند (۷).

مسئولیت خارج از قرارداد: که به آن مسئولیت قهری یا ضمانت قهری گفته می‌شود از او امر و نواهی قانونی حاصل می‌شود به عبارت دیگر مسئولیت قهری هنگامی وجود دارد که بر اثر نقض وظیفه‌ای قانونی زبانی به کسی رسد (۹). بنابراین لازم نیست که قرارداد یا تعهدی از قبل وجود داشته باشد تا مسئولیت به جبران خسارت محقق گردد بلکه هر گونه مسئولیت قانونی که فاقد مشخصات مسئولیت قراردادی باشد مسئولیت خارج از قرارداد نامیده می‌شود (۱۰).

نتیجه این سخن آنکه همانگونه که گفته شد مسئولیت مدنی در معنای اعم خودش شامل مسئولیت قراردادی و مسئولیت خارج از قرارداد می‌گردد لذا برای بازشناسی این دو باید گفت که واقع مسئولیت مدنی مطلق منصرف به همین مسئولیت غیر قراردادی است. چنانکه قانون مسئولیت مدنی مصوب سال ۱۳۳۹ این اصطلاح را در معنای مذکور به کار برده است. بحث ما نیز ناظر به مسئولیت مدنی به معنای اخص کلمه یعنی مسئولیت خارج از قرارداد می‌باشد و مراد از مسئولیت مدنی دولت این گونه مسئولیت می‌باشد.

مسئولیت کیفری

زمانی که شخص مرتکب یکی از جرایم مذکور در قانون می‌گردد برای این شخص مسئولیت کیفری به وجود می‌آید. با پیدایش مسئولیت کیفری شخص تحت تعقیب قرار می‌گیرد و مجازات خواهد شد و در صورتیکه عمل مجرمانه وی باعث خسارت گردد باید از عهده خسارات وارده نیز برآید. آنچه در مسئولیت کیفری حائز اهمیت است اینک هر جرمی تعریف، شرایط و مجازات خاصی دارد یعنی اصل قانونی بودن جرم و مجازات فی‌الواقع یعنی اینطور نیست که یک اصل کلی برای مسئولیت وجود داشته باشد (۱۱).

در جوامع بدوی جبران خسارت جنبه انتقام و مجازات داشت مجازات فرد مسئول هم هدف بازدارندگی داشت و هم هدف جبران خسارت با پیشرفت تمدن این وضع تغییر یافت. رشد جوامع و تحولات عظیم حقوقی در کشورها تفاوت‌هایی را در میان مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی رقم زد.

اگرچه مقصود از مسئولیت جزایی نیز جبران خسارت وارده است اما فلسفه این جبران خسارت با آنچه که در مسئولیت مدنی شاهدیم اختلاف فاحشی دارد اولین و شاید مهمترین تفاوت از لحاظ طرف زیان‌دیده می‌باشد که در مسئولیت جزائی جامعه طرف اصیل می‌باشد و زیان اصلی به او وارد شده است، مسئولیت جزائی به خاطر حمایت از جامعه لحاظ شده است مجرم با عمل خود جامعه را متضرر ساخته است و باید در مقابل جامعه پاسخگو باشد، الزام مجرم به تأمین ضرر و زیان ناشی از جرم که به اشخاص خصوصی وارد می‌شود، جنبه تبعی و ثانوی دارد. برعکس در مسئولیت مدنی هدف اصلی جبران خسارت شخص زیان‌دیده می‌باشد، در واقع در دعوی کیفری پس از اثبات جرم این پرسش مطرح می‌شود که با مجرم چه باید کرد؟ در حالی که در مسئولیت مدنی بعد از اثبات مسؤولیت وارد کننده زیان این پرسش مطرح می‌شود که برای زیان‌دیده چه کار باید کرد؟ (۱۲). گذشته از این تفاوت که ناظر به هدف ایجاد دو مسؤولیت می‌باشد در حوزه‌های

کننده معمولاً از طریق پرداخت پول خسارت را جبران می نماید. این روش جبرانی در عمل، مهم ترین وسیله جبرانی در دسترس است. لذا از آن به عنوان مهم ترین هدف مسئولیت مدنی در ارتباط با زیان دیده نیز یاد شده است (۱۵).

نقض الزامات اخلاقی توسط شخص خاطی همان گونه که در فوق نیز مورد اشاره قرار گرفت، می تواند صورت های مختلفی را به خود تجربه نماید که از جمله آنها می توان به اعاده به وضع سابق نیز توجه نمود. اعاده به وضع سابق بایستی قربانی نقض حق عدم بازداشت غیرقانونی به وضعیت اولیه پیش از نقض بازگرداند. اعاده به وضع سابق در ارتباط با نقض می تواند شامل اقداماتی هم چون امکان بهره مند شدن مجدد قربانی از آزادی، در صورت اخراج قربانی از محل کار و تأثیرات مخمل سلامت روانی که این امر داشته است بازگرداندن وی به محل کار و برقراری مجدد حقوق و مزایای وی. غرامات می بایستی برای هر گونه خسارتی که از لحاظ اقتصادی قابل تقویم باشد برقرار شود و با شدت نقض و شرایط هر قضیه متناسب و مرتبط باشد و در ارتباط با نقض حق عدم بازداشت غیرقانونی به صورت مستقیم باشد و بنابراین غرامات به نقض هایی که به صورت غیرمستقیم صورت می پذیرد تعلق نمی پذیرد. به طور کلی پرداخت غرامات مربوط به نقض حق عدم بازداشت غیرقانونی را می توان در قبال چندین خسارت دانست:

الف) خسارت های جسمی یا روانی
 ب) فرصت های از دست رفته از جمله اشتغال، تحصیلات و مزایای آموزشی

ج) خسارت های مادی و از دست دادن درآمدها از جمله خسارت مربوط قابلیت های بالقوه درآمدی

د) هزینه هایی که برای معاضدت های حقوقی یا کارشناسی، خدمات سلامت و پزشکی و خدمات روان شناسی و اجتماعی ضروری می باشد (۱۹).

بازپروری نیز می تواند شامل مراقبت های پزشکی و بهداشتی به علاوه خدمات اجتماعی و حقوقی باشد. تشفی خاطر نیز می بایستی شامل یکی از اقدامات ذیل باشد:

- اقدامات موثری که هدف از آن، متوقف ساختن نقض های مستمر می باشد.

- راستی آزمایی واقعیات و افشای کامل و عمومی واقعیات تا آن اندازه که این چنین افشاگری به ایمنی و منافع قربانی

- معاضدت در زمینه شناسایی افرادی که سلامت جسمی و روانی آنها در نتیجه بازداشت غیرقانونی نقض شده است

- یک اعلامیه رسمی یا یک تصمیم قضایی که کرامت، شهرت و حقوق قربانیان و اشخاصی که به قربانی نزدیک هستند را بازگرداند.

- عذرخواهی عمومی از جمله تأیید واقعیات و پذیرش مسئولیت در قبال نقض حق عدم بازداشت غیرقانونی.

- مجازات های کیفری و اداری علیه اشخاصی که مسئولیت نقض را برعهده دارند.

گوناگون دیگری مانند: شرایط، منبع مسؤولیت قلمرو، آئین دادرسی، آثار و نتایج با همدیگر تفاوت دارند. ذکر وجوه اختلاف مانع از این مساله نیست که در موردی هر دو نوع مسؤولیت وجود داشته باشد مانند خیانت در امانت یا کلاهبرداری که هر دو نوع مسؤولیت را به همراه دارند، دیگر آنکه رها شدن از قید مسؤولیت جزائی در مواردی مانند قرار منع تعقیب نافی مسؤولیت مدنی نمی باشد و مسؤولیت مدنی راه خود را می پیماید (۱۳).

مسئولیت اداری

مسئولیت اداری زمانی مطرح می شود که مستخدم دولت مرتکب خطا یا تخلف اداری شده باشد قانونگذار مجازات خاصی را برای تخلفات اداری پیش بینی کرده و دادگاههایی را نیز برای رسیدگی به این گونه امور در نظر گرفته است. ماده ۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۲۴/۹/۷۲ تخلفات اداری را احصاء کرده است (۱۴).

مسئولیت اداری همانطور که پیشتر اشاره شد در مورد مستخدمین دولت اعمال می شود و طرف اصلی آن اداره متبوع مستخدم است. در مسؤولیت اداری همانند مسؤولیت کیفری اصل قانونی بدون جرم (تخلف) و مجازات بعنوان اصلی ترین رکن مسؤولیت وجود دارد در حالی که در مسؤولیت مدنی اصلی کلی وجود دارد که جبران هر نوع زیانی را در بر می گیرد (۱۴). هر چند این دو نوع مسؤولیت در مواردی از جمله شرایط و هدف و شیوه دادرسی با همدیگر تفاوت دارند با این حال با وجود این اختلافات در مواردی بین مسؤولیت اداری و مسؤولیت مدنی بالخاص در مواردی که مسؤولیت مدنی کارکنان دولت و دولت مطرح می شود بین این دو ارتباط زیادی وجود دارد و یک خطای اداری ممکن است علاوه بر مسؤولیت اداری مستخدم باعث ضرر و زیان به شخص خصوصی گردد و مسؤولیت مدنی مستخدم را نیز در پی داشته باشد. لذا اصطلاحات فنی که در مورد تخلفات اداری استعمال می شود کاربرد مهمی در مسؤولیت مدنی سازمان ثبت اسناد و کارکنان آن ایفاء می کند.

بایسته های اخلاقی در زمینه جبران خسارت ناشی از جعل و اشتباه در تنظیم اسناد

جبران خسارت یکی از مهم ترین بایسته های اخلاقی تأثیرگذار در زمینه مسؤولیت مدنی ناشی از اشتباه و جعل در تنظیم اسناد مالکیت به شمار می رود به شمار می رود که عموماً در مقابل مسؤولیت مدنی به ارتکاب تخلف اعم از فعل یا ترک فعل تعلق می گیرد. البته نهاد جبران خسارت صرفاً محدود به عالم حقوق مدنی نشده بلکه در زمینه جزایی در مقابل ارتکاب جرایم علیه نفس، عرض و مال متعلق به غیر مطرح می شود.

گسترده گی نهاد جبران خسارت در عالم حقوق و پرداختن تمامی قوانین بشری از ابتدا تا به امروز اثبات می نماید که این اصل به عنوان یک اصل بدیهی اخلاقی مطرح بوده است و به شیوه های مختلفی صورت می گیرند که معمول ترین آنها عبارتند از: / اعاده به وضع سابق، غرامت، بازپروری، تشفی خاطر و تضمین عدم تکرار. البته معمول ترین روش از میان این موارد گفته شده، پرداخت غرامت است که در آن، نقض

نتیجه گیری

در ارتباط با مبانی اخلاقی جبران خسارت ناشی از جعل و اشتباه در تنظیم اسناد رسمی چند نکته قابل ذکر است:

۱- از آنجا که سه رکن اصلی جبران خسارت یعنی ورود ضرر، رابطه سببیت و فعل نقض آمیز از فقه اسلامی و به ویژه بخش عبادات وارد بخش معاملات شده است، این امر نشان دهنده این است که اساس جبران خسارت در حقوق اسلامی و فارغ از جعل و اشتباه در تنظیم اسناد رسمی، بر مبانی اخلاقی قرار گرفته است

۲- سردفتر و دفترخانه به عنوان یکی از نهادهای مستحدثه در فقه اسلامی مطرح است. به عبارت دیگر، اگرچه در پیشینه حقوق اسلامی اشاراتی به ضرورت ثبت اسناد شده است اما این موضوع از جریان های تازه در دو قرن اخیر و به طور عمده با تحولات فنی در کشورهای غربی بوده است. همین موضوع سبب شده است که رویکردهای حقوقی نسبت به مسئولیت ناشی از جعل و اشتباه در تنظیم اسناد رسمی صرفا بر مبانی پوزیتیویستی به جلو رفته و مبانی اخلاقی در آنها نقش کمتری ایفاء نماید و این موضوع در قوانین ایران از جمله قانون ثبت و قانون دفاتر اسناد رسمی نیز دیده می شود.

۳- در مورد شیوه های جبران خسارت ناشی از جعل و اشتباه در تنظیم اسناد رسمی در نظام حقوقی ایران صحبتی نشده است و تنها از ضرورت جبران خسارت در این موارد صحبت شده است. در این زمینه، می توان از رویکردهای اخلاقی در کنار رویکردهای حقوقی بهره گرفت برای نمونه غیر از مسئولیت کیفری و مسئولیت مدنی، پذیرش سوءنیت از سوی سردفتر یا دفتریار و یا سایر عوامل ذی نفع می تواند به عنوان یک رویکرد اخلاقی جبران خسارت در نظر گرفته شود.

۴- بیمه مسئولیت مدنی حرفه ای سردفتران در برابر اشخاص خسارت دیده ناشی از اشتباه در تنظیم اسناد رسمی به عنوان یک راهکار بینابینی مسئولیت اخلاقی و مسئولیت مدنی مورد توجه قرار باید بگیرد. البته بر اساس مواد قانونی مرتبط، این نوع بیمه در موارد جعل اسناد رسمی نمی تواند مورد استناد باشد.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

1. Official documents	اسناد رسمی
2. Compensation	جبران خسارت
3. Ethical requirements	الزامات اخلاقی
4. Personal mistake	خطای شخصی
5. Civil liability	مسئولیت مدنی
6. Violation of obligations	نقض تعهدات
7. Civil proceedings	دادرسی مدنی
8. Causal relationship	رابطه سببیت

ایجاد یک بانک آماری دقیق از تمامی نقض های مزبوط به بازداشت غیرقانونی که در یک جامعه یا یک منطقه یا محل خاص ارتکاب یافته است به منظور رسیدگی بهتر به وضعیت قربانیان نقض حق سلامت ران (۱۶).

تضمین های مربوط به عدم تکرار نقض مربوط به الزامات اخلاقی بایستی تا بدان جا که امکان داشته باشد شامل یکی از اقدامات ذیل باشد:

- تضمین کنترل موثر شهروندان بر مراکز ارائه دهنده خدمات
- تقویت استقلال نهادهای مراقب، رصدکننده و ارائه دهنده خدمات
- حمایت از آموزش الزامات اخلاقی و ابعاد و مولفه های آن به تمامی بخش های جامعه به ویژه ذی نفعان اصلی که یا در اثر نقض مزبور، تضرر بیشتری نموده اند یا عوامل و نهادهایی که در زمینه حمایت و مراقبت از حق مزبور اقدام می نمایند
- بازنگری و اصلاح قوانین و آیین نامه هایی که به حمایت از الزامات اخلاقی پرداخته و ضمانت اجرایی برای نقض و جبران خسارت آن قرار می دهند.
- ترویج و ارتقای ساز و کارهایی به منظور نظارت بر موارد نقض مربوط به الزامات اخلاقی (۱۶).

بیمه جبران خسارت: راهکار بینابینی مسئولیت اخلاقی و

مسئولیت حقوقی

بر مبنای ماده یک قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹، هرکس در نتیجه بی احتیاطی، به جان یا سلامتی یا مال افراد دیگر صدمه ای وارد نماید و موجب ورود ضرر مادی به غیر شود، مسئولیت جبران خسارت ناشی از اعمال خود را برعهده دارد. در این راستا، انواع بیمه های مسئولیت مدنی در طول سالیان گذشته در نظام حقوقی ایران پیش بینی شده اند از جمله بیمه مسئولیت کارفرما در قبال کارکنان، بیمه مسئولیت حرفه ای، بیمه مسئولیت تولیدکنندگان کالا، بیمه مسئولیت مدنی عمومی و با این حال، این نوع بیمه در مورد جبران خسارت ناشی از اشتباه و جعل در تنظیم اسناد رسمی مورد توجه قرار نگرفته است و می تواند یکی از زیرمجموعه های بیمه مسئولیت مدنی حرفه ای باشد. به عبارت دیگر، بیمه مسئولیت مدنی حرفه ای، نوعی از بیمه است متوجه اشخاص حقیقی و حقوقی که ناشی از فعالیت حرفه ای آنهاست. علاوه بر سردفتران، وکلا در برابر موکلین، پزشکان، پیراپزشکان و پرستاران در مقابل بیماران و مهندسیین طراح، ناظر و محاسب در برابر کارفرما از این چنین نوع بیمه مسئولیت مدنی حرفه ای می توانند بهره مند شوند. البته بدیهی است که بر مبنای ماده ۲ شرایط عمومی بیمه نامه مسئولیت مدنی، در صورتی که خسارت ناشی از عمد و تقلب بیمه گذار باشد که در این شرایط می تواند جعل سردفتر یا دفتریار یا سایر افراد مرتبط معنا شود، بیمه مسئولیت مدنی مسئولیتی در برابر شخص خسارت دیده ندارد.

7. Katouzian N. (2005). Coercive guarantee, civil liability. 1st ed. Iran/Tehran: Tehran University Publication. (In Persian).
8. Ashtari M. (1996). Civil law. 1st ed. Iran/Tehran: Publication of lawyers. (In Persian).
9. Hoseinnejad H. (1998). Civil law. 1st ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. (In Persian) .
10. Jafari Langerudi MJ. (2021). Legal terminology. 1st ed. Iran/Tehran: Ganje Danesh Publication. (In Persian).
11. Validi MS. (1994). General criminal law. 1st ed. Iran/Tehran: Nashr e Dad Publication. (In Persian).
12. Yazdanian A. (2000). Realm of civil liability. 1st ed. Iran/Tehran: Adabestan Publication. (In Persian).
13. Gholami M, Kalantari K, Goldouzian I, Esmaeili H. (2020). Islamic ethics and civil liability in compensating innocent prisoners: a comparative study of Iranian and American law. Ethics in Science and Technology; 15 :6-12. (In Persian).
14. Mousazadeh R. (1998). Administrative law. 1st ed. Iran/Tehran: Mizan Publication. (In Persian).
15. Vatani A. (2015). Possibility of full compensation in the principles of international trade agreements, the Convention on International Trade Agreements and Iranian law. Quarterly Journal of Private Law Research; 4(12). (In Persian) .
16. Maden A. (2010). Essential mental health law: a guide to the revised mental health act and the mental capacity act 2005. London: Hammer Smith Press Limited.

9. Community
10. Social habits
11. Conscience
12. Moral Values
13. Intellect
14. Rational value
15. Moral responsibility

اجتماع
 عادت های اجتماعی
 وجدان
 ارزش های اخلاقی
 عقل
 ارزش عقلی
 مسولیت اخلاقی

References

1. Ghasemi Ghasemvand A. (2019). Legal analysis of the civil liability of notaries public in regulating the provisions and conditions contained in official documents. International Law Quarterly; 3(11). (In Persian).
2. Tajmiri AT. (1996). Civil law. 1st ed. Iran/Tehran: Afarineh Publication. (In Persian).
3. Katouzian N. (1998). Philosophy of law. 2nd ed. Iran/Tehran: Behnashr Publication. (In Persian).
4. Ghaderi M, Javadi MH, Jafarzadeh S. (2021). Adaptation of civil liability & social justice: attention to the component of intentional fault. Ethics in Science and Technology; 16 (2) :3-9. (In Persian).
5. Golparvar M, Javadian Z, Mosahebi M, Alimardani S. (2013). Ethical climate and deviant and organizational citizenship behaviors: The new motivational approach to justice compensation and organizational justice. Ethics in Science and Technology; 7 (4) :41-53. (In Persian).
6. Badini H. (2005). Philosophy of civil liability. 1st ed. Iran/Tehran: Sahami Enteshar Publication. (In Persian).